



University of Tehran press

A Contrastive Study of Stress in German and Persian prefixed words. The complexities of word stress in German prefixed words for Persian language learners



Azar Forghani Tehrani 0000-0003-0097-3964

Department of German as a foreign Language, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Email: a.forghani@fgn.ui.ac.ir

ABSTRACT

The present study aims to investigate the difficulties of word stress in German prefixed words for Persian students of German language major at Isfahan University from the perspective of contrastive linguistics and error analysis. German and Persian are syllabic languages in which one or more than one syllable of a word is pronounced with more emphasis. The prefixed Persian words are mostly pronounced without stress; however, some German prefixed words are enunciated with stress, and in some cases, the word stress has a distinguishing characteristic in which the change in the stress leads to a variation in the meaning of the word or sentence. The lack of commonality in phonetic rules between the two languages in some cases results in errors in some language learners, leading to disruption in communicating with the audience in real situations. In order to analyze the controlling factors two groups of students received assignments to pronounce words and sentences containing various prefixes in German. The obtained results indicated that in the junior students who did not master in the related phonetic rules, the most important cause of error was linguistic interference from the mother tongue and the tendency to stress the final syllables of the prefixed words. The number of errors in the senior and graduated students is much less than that of the first group due to their familiarity with the phonetic rules. Moreover, in this group of students, the major reasons for errors included language interference, overgeneralization, the lack of fixation of rules, fossilization, and wrong mental hypothesizing.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 11 July 2023

Received in revised form

22 October 2023

Accepted: 18 November

2023

Available online:

winter 2024

Keywords:

Phonetics, stress, syllable, word accent, prefix, contrastive linguistics, error analysis, linguistic interference.

Forghani Tehrani, A. (2024). A Contrastive Study of Stress in German and Persian prefixed words. The complexities of word stress in German prefixed words for Persian language learners. *Journal of Foreign Language Research*, 13 (4), 669-686. <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.355165.1041>.



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.355165.1041>.



انتشارات دانشگاه تهران

پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی

شاپای چاپی: ۴۱۲۳-۲۵۸۸ شاپای الکترونیکی: ۷۵۲۱-۲۵۸۸

https://jflr.ut.ac.ir

Email: jflr@ut.ac.ir

بررسی مقابله‌ای تکیه در واژگان پیشونددار آلمانی و فارسی دشواری‌های تکیه‌گذاری واژگان آلمانی پیشونددار برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان



آذر فرقانی تهرانی*

ID 0000-0003-0097-3964

گروه آموزش زبان آلمانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: a.forghani@fgn.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۲
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

آواشناسی، تکیه، تکیه
واژگانی، پیشوند، زبان‌شناسی
مقابله‌ای، تحلیل خطا، تداخل
زبانی.

چکیده

چکیده: در مقاله حاضر تکیه واژگانی در انواع واژگان پیشونددار زبان‌های آلمانی و فارسی و دشواری‌های تکیه‌گذاری واژگان آلمانی دارای پیشوند برای دانشجویان فارسی‌زبان رشته زبان آلمانی دانشگاه اصفهان از دیدگاه زبان‌شناسی مقابله‌ای و تحلیل خطا مورد بررسی قرار گرفته است. زبان آلمانی و فارسی از جمله زبان‌های هجایی هستند که در واژگان آنها یک یا چند هجا با تأکید بیشتری ادا می‌شوند. پیشوندهای انواع واژگان فارسی در بیشتر موارد بی‌تکیه تلفظ می‌شوند. در زبان آلمانی برخی از پیشوندهای انواع واژگان تکیه‌دار و برخی بی‌تکیه تلفظ می‌شوند و در گروهی نیز تکیه، ویژگی تمایزدهندگی دارد، به طوری که تغییر تکیه به تغییر مفهوم واژه یا جمله می‌انجامد. نبود اشتراک در قواعد آوایی مربوط بین دو زبان در برخی موارد سبب بروز خطاهایی از سوی زبان‌آموزان می‌شود. در موقعیت عینی ممکن است این خطاها سبب بروز اختلال در برقراری ارتباط با مخاطب گردند. جهت واکاوی عوامل و علل این خطاها، دو گروه از دانشجویان تکالیفی جهت تلفظ واژگان و جملات حاوی انواع پیشوند به زبان آلمانی دریافت کردند. برای بررسی دقیق‌تر داده‌ها، انواع پیشوندهای زبان فارسی و زبان آلمانی را مقایسه کرده و بدین نتیجه دست یافتیم که در دانشجویان گروه اول که با قواعد آوایی مربوط آشنایی نداشتند، مهم‌ترین علت خطا تداخل زبانی از زبان مادری و تمایل به تکیه‌گذاری هجاهای پایانی است. میزان خطاها در دانشجویان گروه دوم به دلیل آشنایی با قواعد، کمتر از گروه اول و علل بروز خطا علاوه بر تداخل زبانی و تعمیم‌دهی، عدم تثبیت قواعد، تثبیت غلط (فسیل‌شدگی) و فرضیه‌سازی ذهنی اشتباه است.

فرقانی تهرانی، آذر. (۱۴۰۲). بررسی مقابله‌ای تکیه در واژگان پیشونددار آلمانی و فارسی. دشواری‌های تکیه‌گذاری واژگان آلمانی پیشونددار برای زبان‌آموزان فارسی زبان. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۳ (۴)، ۶۶۹-۶۸۶.

DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2023.355165.1041.



The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2023.355165.1041.

*آذر فرقانی تهرانی دکترای آموزش زبان آلمانی، استادیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران ۱۳۹۵-۱۳۸۸؛ تدریس به عنوان مدرس حق‌التدریس در گروه زبان آلمانی دانشگاه اصفهان، از ۱۳۹۵ تا کنون؛ هیئت علمی گروه زبان آلمانی دانشگاه اصفهان

۱- مقدمه

«تکیه کلام» (Akzent) در سطح واژگان و جملات در حوزه واج‌شناسی زبرزنجیری (Suprasegmentale Phonologie) قرار می‌گیرد. ویژگی‌های «زبرزنجیری» به ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که جنبه زبانی ندارند، بلکه فرا زبانی هستند و به ویژگی‌های واج‌شناختی و گفتاری-نوایی واحدهایی نظیر هجاها، واژگان و عبارات که بزرگ‌تر از زنجیره‌های واحد (مانند آواها) هستند، مربوط می‌شوند. در زبان‌هایی که واژگانشان دارای تکیه آوایی هستند، برخی از واحدهای زنجیره آوایی نظیر برخی هجاها (Silben) برجسته‌تر از سایر واحدها ادا می‌شوند. این برجسته‌سازی آوایی «تکیه» نامیده می‌شود. نقش تکیه از یک سو آهنگین کردن کلام و از سوی دیگر ایجاد تمایز معنایی در برخی از زبانها است. برای مثال در زبان آلمانی تفاوت معنایی دو زنجیره آوایی مشابه Roman (نام فرد) و Ro'man (رمان) تنها از طریق تکیه‌گذاری مشخص می‌شود. در زبان فارسی نیز تفاوت معنایی حاصل از تغییر جایگاه تکیه در دو زنجیره آوایی مشابه بازگشت (bāzgašt) به‌عنوان فعل گذشته ساده و بازگشت (bāz'gašt) به‌عنوان اسم به تکیه‌گذاری مربوط می‌شود. تغییرات در بسامد پایه (زبری و بمی) (Tonhöhe) و نیز تغییرات در کمیت (طول صوت یا طول واکه) (Quantität) از جمله عواملی به‌شمار می‌روند که به درک بهتر تکیه در کلام کمک می‌کنند (فرای ۱۹۵۸، ۱۹۹۵). بولینگر^۱ مهم‌ترین عامل را در تکیه‌گذاری، عمق (شدت صوت) (Intensität) و کمیت صوت می‌داند (۱۹۵۸). عوامل ذکرشده در برخی از زبانها، در واژگان دارای زنجیره آوایی مشابه، تمایز معنایی ایجاد می‌کنند. از این رو در بررسی تکیه کلام، بسته به زبان مورد بررسی، ابزارهای آوایی متفاوتی مدنظر قرار می‌گیرند. مقاله حاضر به بررسی تکیه واژگانی در انواع واژگان پیشونددار زبان آلمانی و تلفظ آنها از سوی دانشجویان فارسی‌زبان رشته زبان آلمانی می‌پردازد. از آنجاکه تکیه یک ویژگی زبرزنجیری است و در نوشتار قابل تشخیص نیست، بسیاری از زبان‌آموزان ایرانی به‌ویژه تحت‌تأثیر تداخل‌های گفتاری حاصل از زبان مادری، تکیه را به‌درستی ادا نمی‌کنند و بدین سبب که تکیه در برخی واژگان آلمانی نقش ممیز دارد، این امر سبب بروز خطا در

معنای این دسته از واژگان می‌شود. به همین منظور در پژوهش حاضر انواع پیشوندهای زبان فارسی و تکیه‌گذاری آنها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند تا بتوان با مقایسه تکیه‌گذاری در دو زبان به نتایج قابل قبولی دست یافت و بدین پرسش پاسخ داد که چه عواملی در تکیه‌گذاری این دسته از واژگان آلمانی از سوی زبان‌آموزان ایرانی دخیل هستند.

۲- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مختلفی به زبان‌های آلمانی و فارسی وجود دارند که تکیه واژگانی را یا به‌طور مجزا و یا به‌صورت مقابله‌ای مورد مطالعه قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها علی‌الاصول به بررسی تکیه در انواع واژگان زبان(های) مربوط از دیدگاه‌های آواشناختی و واج‌شناختی و یا آموزشی می‌پردازند. به‌عنوان مثال هیرشفلد/راینکه^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقات آواشناختی خود که جنبه آموزشی دارد به مسئله تکیه در زبان آلمانی پرداخته و همراه با داهمن و مایسنر^۳ (۲۰۲۱) مطالعاتی آواشناختی و مقابله‌ای درباره زبان آلمانی و ۷۵ زبان دیگر از جمله زبان فارسی انجام داده‌اند. این مطالعات در قالب دفترچه‌هایی مکمل به‌صورت برخط به انتشار رسیده و مرکز توجه آنها بیش از هر چیز تلفظ زبان آلمانی و تخطی‌های تلفظی زبان‌آموزان در کلاس درس زبان آلمانی به‌عنوان زبان دوم و زبان خارجی است. منگل^۴ (۱۹۹۸) در رساله دکتری‌اش با عنوان تکیه واژگانی در زبان آلمانی به بررسی دقیق این ویژگی زبرزنجیری در انواع واژگان زبان آلمانی پرداخته است. اتوران^۵ (۱۹۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در قالب پژوهشی مقابله‌ای تکیه واژگانی را در زبان‌های آلمانی و ترکی با یکدیگر مقایسه کرده و انواع واژگان را از منظر نوع تکیه، جایگاه آن، تکیه در واژگان ساده و نیز تکیه در واژگان مرکب مقابل هم قرار داده است. یانسن^۶ (۲۰۰۳) در رساله دکتری‌اش به مقایسه تکیه در زبان آلمانی و زبان هلندی پرداخته است. سالو^۷ (۲۰۱۹) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود دشواریهای تکیه‌گذاری واژگان آلمانی برای زبان‌آموزان فنلاندی را مورد بررسی قرار داده است. وجه اشتراک مطالعات مقابله‌ای فوق، تأثیر انکارناپذیر زبان مادری بر ایجاد تداخلات زبانی در زمینه تکیه‌گذاری واژگانی زبان خارجی است.

^۴ Mengel

^۵ Oturan

^۶ Janßen

^۷ Salo

^۱ Fry

^۲ Bolinger

^۳ Hirschfeld & Reinke

^۴ Dahmen & Meißner

صادقی^۹ (۱۳۹۱) درک شنیداری محل تکیه واژگانی را در زبان فارسی در دو بافت دارای تکیه زیر و بمی و فاقد تکیه زیر و بمی مورد مطالعه قرار داده است. کرد زعفرانلو کامبوزیا؛ تاج آبادی؛ آفاگل زاده^{۱۰} (۱۳۹۴) به بررسی جایگاه تکیه در تکواژهای وابسته زبان فارسی پرداخته و تفاوت در جایگاه تکیه را ناشی از بازنگاشت ساختار نوایی آنها می‌داند. جم^{۱۱} (۱۳۹۸) تقابل‌های تکیه‌ای واژگانی و فرا واژگانی در زبان فارسی را بررسی کرده و بدین نتیجه دست یافته است که در زبان فارسی تنها پنج تقابل تکیه‌ای واژگانی به صورت جفت کمینه وجود دارد. وی مسئله تکیه را از دیدگاه فرآیندهای واجی مورد بررسی قرار داده است.

البرزی^{۱۲} (۱۳۹۸) به واکاوی مقابله‌ای فعله‌ای پیشوندی در زبانهای آلمانی و فارسی پرداخته و بدین نتیجه دست یافته است که در مؤلفه‌های پیشوندی هر دو زبان در مسئله هم‌گرایی و واگرایی متعادل هستند. حدادی - میثمی^{۱۳} (۱۳۹۸) نیز تأثیر تداخل زبانی بر فراگیری تلفظ صحیح در زبان آلمانی برای زبان‌آموزان آلمانی در سطح مقدماتی را بررسی کرده و آن را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت تلفظ در زبان خارجی برمی‌شمارد. در تحقیقات یاد شده، بیشترین تمرکز بر بررسی فرآیندهای آواشناسی و واج‌شناختی مؤثر در تکیه‌گذاری واژگان و یا بررسی مقابله‌ای انواع تکیه واژگانی، فعله‌ای پیشوندی و نیز تأثیر تداخل زبانی در تلفظ بوده و تاکنون تحقیقی مقابله‌ای در زمینه بررسی تکیه در انواع واژگان دارای پیشوند در دو زبان آلمانی و فارسی و علل بروز خطا در تکیه‌گذاری صورت نگرفته است. بنابراین هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که آیا عواملی نظیر تداخل زبانی، تعمیم‌دهی و فرضیه‌سازی تأثیری بر تلفظ انواع واژگان دارای پیشوند زبان آلمانی دارد؟

۳- چهار چوب نظری

پایه نظری پژوهش حاضر، بررسی تلفظ واژگان پیشونددار زبان آلمانی با استفاده از زبان‌شناسی مقابله‌ای و زیرشاخه آن «تحلیل خطا» است. خطاهای زبانی از دو دیدگاه مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند. برخی خطاها حاصل عدم یادگیری کامل

و صحیح ساختارها و یا قواعد زبان در حال یادگیری است. این خطاها را خطاهای توانشی می‌نامند که زبان‌آموز خود قادر به کشف و تصحیح آنها نیست. دسته دوم خطاهایی را در برمی‌گیرد که تحت تأثیر شرایط فردی یا محیطی نظیر اضطراب، بی‌دقتی، خستگی سر و صدا و غیره رخ می‌دهند. این خطاها، خطاهای کنشی هستند که در شرایط ایدئال رخ نمی‌دهند یا کمتر رخ می‌دهند. از دیدگاه هاردن^{۱۴} (۲۰۰۶، ۸۳) خطاهای رخ داده از سوی زبان‌آموزان در فرآیند آموزش زبان خارجی به منزله عناصری نظام‌مند از «زبان موقت در حال یادگیری» (Interimsprache) در نقطه زمانی مشخص هستند. منظور از این زبان، زبانی است که به‌طور هم‌زمان حاوی ساختارها و قواعد زبان مادری و زبان خارجی است و شکل‌گیری آن مرحله‌ای مهم در آموزش و تکوین ساختارهای مختلف آوایی، صرفی، نحوی و غیره زبان خارجی است. کلپین^{۱۵} بر این عقیده است که به دلیل تداخل‌های زبانی (Interferenz) حاصل از ساختارهای گوناگون زبان مادری یا زبان خارجی پیش‌تر آموخته، تخطی‌هایی از قواعد و یا عرف‌های زبان مقصد صورت می‌گیرد. در کنار پدیده تداخل، تعمیم‌دهی (Übergeneralisierung) نیز می‌تواند از دلایل بروز خطا باشد، بدین ترتیب که زبان‌آموز مقوله یا قاعده‌ای را به پدیده‌هایی تعمیم می‌دهد که در مورد آنها صدق نمی‌کند (کلپین، ۱۹۹۷، ۳۳). به‌طور کلی تحلیل خطا در فرآیند آموزش زبان خارجی شامل ۴ مرحله می‌شود (دوستی‌زاده - فرقانی^{۱۶}، ۵۶-۵۳): مرحله نخست، مرحله تشخیص خطاست که از طریق مقایسه با قواعد زبان معیار صورت می‌گیرد. مرحله دوم، شامل توصیف و طبقه‌بندی خطاست. در این مرحله علت یا علل بروز خطا مورد بررسی قرار می‌گیرند. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، از مهم‌ترین علل بروز خطا تداخل زبانی است. این تداخل یا به خطاهای بین زبانی که به تأثیر زبان مادری یا زبان از پیش آموخته‌شده بر روی زبان در حال یادگیری مربوط می‌شود باز می‌گردد یا به خطاهای درزبانی. خطاهای درزبانی شامل تعمیم‌دهی قواعد، قاعده‌مندسازی (Regularisierung)، تسهیل قواعد (Simplifizierung)، فرضیه‌سازی ذهنی اشتباه

^{۱۳} Haddadi & Meysami

^{۱۴} Harden

^{۱۵} Kleppin

^{۱۶} Doustizadeh & Forghani

^۹ Sadeghi

^{۱۰} Kord Zaferanloo kamboozia & Tajabadi & Agha gol zadeh

^{۱۱} Jam

^{۱۲} Alborzi

و به کارگیری ناقص قواعد زبان مقصد مربوط می‌شود. مرحله سوم، مرحله ارزیابی خطاست. این مرحله بیشتر جنبه کاربردشناسی دارد. بدین معنا که تأثیر خطا بر مخاطبان در موقعیت عینی و ملموس مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. برخی از خطاها به ایجاد اختلال در روند برقراری ارتباط می‌انجامند و یا حتی موجب بروز سوءتفاهم می‌شوند. در اینجا نیز باید میان خطاهای توانشی (Kompetenzfehler) و سهوی (Performanzfehler) تمایز قائل شویم. مرحله چهارم مرحله تصحیح خطاست. از دیدگاه کونینگز^{۱۷} (۳۷۷) تصحیح خطا از دو دیدگاه مختلف صورت می‌گیرد: از منظر وجه زبانی (زبان گفتار در مقایسه با زبان نوشتار) و یا بر اساس موقعیت (ارتباط کلاسی در مقایسه با ارتباط طبیعی خارج از کلاس درس). این مرحله بر عهده معلم و هدف اصلی آن ریشه‌کن‌سازی و رفع خطا و پیشگیری از بروز مجدد آن است. شایان ذکر است که تصحیح خطاهای شفاهی به مراتب پیچیده‌تر از خطاهای کتبی است، چرا که زمان و چگونگی تشخیص و ارزیابی خطاهای گفتاری و عکس‌العمل معلم در قبال چنین خطاهایی بسیار محدودتر و دشوارتر است.

۴- انواع تکیه

در زبانهای دارای ویژگی زبرزنجیری «تکیه»، واژگان چند هجایی علی‌الاصول در زنجیره آوایی خود یک تکیه اصلی می‌پذیرند. در برخی زبانها جایگاه تکیه(ها) در زنجیره آوایی کلام ثابت و قابل پیش بینی و تابع قواعدی مشخص است. در زبانهای دارای تکیه ثابت، این ویژگی زبرزنجیری در اکثر موارد به مثابه یک ویژگی متمایز نیست، چرا که در اینجا قواعد مشخصی حاکم است. به‌عنوان مثال در زبان فرانسوی و لهستانی تکیه همواره بر روی هجای آخر و یا یکی مانده به آخر است (یانسن، ۲۰۰۳). در زبان‌های چکی و مجاری تکیه روی هجای آغازین واژه است. در برخی زبان‌های دیگر، از جمله زبان فارسی، هجای تکیه‌دار را می‌توان بر حسب طبقه دستوری واژه یا شکل فعلی خاص پیش‌بینی نمود. (مشکوه الدینی^{۱۸} ۱۳۷۰، ۱۳۹). در زبان‌های دارای تکیه متغیر، جایگاه تکیه در زنجیره آوایی تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال در زبان روسی هر یک از هجاها می‌تواند حامل تکیه باشد. در نتیجه، این ویژگی در زبان روسی یک ویژگی متمایز است: مانند (Mukā) به معنی رنج در مقایسه با (Mu'kā) به معنی آرد

(هال^{۱۹}، ۲۰۰۰). اینکه در این دسته از زبانها کدام هجا تکیه اصلی را می‌پذیرد قابل پیش‌بینی نیست. بنابراین جایگاه تکیه در زنجیره آوایی هر واژه به‌طور مجزا در نظر گرفته می‌شود. از دیدگاه یانسن قواعد تکیه‌بری زنجیره آوایی واژگان می‌تواند از «قواعد واجی» و یا از «نظام تکواژی» تأثیر پذیرد (۲۰۰۳، ۵). منظور از واج، کوچک‌ترین واحد آوایی است که می‌تواند در تقابل با سایر واحدهای یک زبان نقش متمایز داشته و تفاوت معنایی ایجاد کند. تکیه‌ای که تحت‌تأثیر قواعد واجی است به ویژگی‌های واجی نظیر وزن هجا در زنجیره آوایی واژه و یا محدودسازی آن در مرز مشخصی از این زنجیره جهت نشان دادن قلمرو تکواژی (مانند ستاک واژه) مربوط می‌شود (همان). تکواژشناسی نیز شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به بررسی تکواژها به‌عنوان کوچک‌ترین واحدهای دستوری واژه می‌پردازد. تکواژها یا معنی واژگانی دارند یا نقش دستوری و به‌طور کلی به دو گروه اصلی آزاد و وابسته تقسیم می‌شوند. تکواژ آزاد یا قاموسی، دارای معنی است و می‌تواند به‌طور مستقل نیز به کار رود. تکواژهای وابسته همواره در وابستگی با تکواژهای آزاد ظاهر شده و به دو دسته اشتقاقی و تصریفی تقسیم می‌شوند. تکواژهای اشتقاقی شامل «وندها» هستند و تکواژهای تصریفی بیشتر جنبه دستوری دارند، مانند «نشانه‌های جمع یا شناسه افعال». در زبانهایی که ویژگی زبرزنجیری «تکیه» در آنها تحت‌تأثیر قواعد واجی است، تکیه همواره بر روی جایگاه ثابتی از زنجیره آوایی قرار می‌گیرد. اما در زبانهایی که تکیه‌گذاری در آنها به نظام تکواژی مربوط می‌شود، جایگاه تکیه متأثر از پیچیدگی واژه از منظر تعداد تکواژها و این مسئله است که آیا «وندها» تکیه را به سمت خود هدایت می‌کنند یا خیر. به‌عنوان مثال در زبان انگلیسی تکیه‌ای که بر روی هجای اول ستاک واژه قرار می‌گیرد، تحت‌تأثیر قواعد واجی و تکیه در واژگان مرکب متأثر از قواعد تکواژی است (یانسن، ۲۰۰۳، ۵). از دیدگاه وحیدیان کامیار^{۲۰} (۱۳۷۹، ۲۴) در زبان آلمانی، به تعداد تکواژهای یک واژه مرکب، درجات مشخصی از تکیه وجود دارد. در زبان‌هایی مانند روسی و فارسی، در واژگان مرکب، تمامی عناصر جز یکی تکیه ویژه خود را از دست می‌دهند. او بر این عقیده است که در زبان‌هایی نظیر روسی و فارسی، واحد تکیه‌بر واژه و در زبان آلمانی تکواژ است. از دیدگاه مدرسی قوامی^{۲۱} (۱۳۹۴) برخی از

^{۲۰} Vahidian Kamyar

^{۲۱} Modarresi Ghavami

^{۱۷} Königs

^{۱۸} Meshkatodini

^{۱۹} Hall

زبان‌های تکیه‌ای دارای تکیه ثابت هستند، مانند زبان فارسی که در آن تکیه اسم‌ها و صفت‌ها همواره روی هجای آخر است، مانند کتاب (ke'tāb)، کتابخانه (ketābkh'ne)، زیبا (zi'bā)». در پژوهش حاضر بررسی تکیه‌بری پیشوندهای آلمانی که در گروه تکواژهای اشتقاقی قرار می‌گیرند از دیدگاه تکواژشناسی صورت می‌گیرد. در اینجا تکیه‌پذیری یا عدم تکیه‌پذیری «وند»ها بر تکیه اصلی واژگانی و جایگاه آن تأثیر دارد.

۵- تکیه واژگانی

در تکیه‌گذاری واژگانی، قسمتی از زنجیره آوایی که علی‌القاعده یک هجا است، با تکیه بیشتری ادا می‌شود. تعریف منگل از تکیه واژگانی «برجسته‌سازی یک هجا در یک واژه چند هجایی در مقایسه با سایر هجاها» است (۱۱، ۱۹۹۸). حال و همکاران^{۲۲} تکیه‌گذاری واژگانی را پدیده‌ای می‌دانند که در آن «هجاهای مشخصی برجسته، یعنی تکیه‌بر بیان می‌شوند» (۱۹۹۵، ۱۳۱). از دیدگاه هونکه و اشتاینینگ^{۲۳} تکیه واژگانی «برجسته‌سازی یک هجا در واژگان چند هجایی است» (۲۰۱۰، ۷۰). رودلف راوش و ایلکا راوش^{۲۴} (۱۹۹۳، ۱۲۲ به نقل از سالو ۲۰۱۹، ۲) تحقق تکیه واژگانی را از رهگذر ویژگی‌های زبرزنجیری زیری و بمی، شدت صوت و طول آوا میسر می‌دانند. موارد مذکور به ترتیب سبب ایجاد سه نوع تکیه واژگانی شامل تکیه زیر و بمی، تکیه فشاری و تکیه دیرش می‌شود. در تکیه زیر و بمی، واکه یا واکه‌های مرکب تکیه‌بر در مقایسه با سایر واکه‌های نزدیک به آن در واژه زیرتر یا بم‌تر به گوش می‌رسند. در تکیه فشاری، واکه یا واکه‌های مرکب تکیه‌بر در مقایسه با سایر واکه‌های نزدیک به آن به‌منظور تأکید با انرژی بیشتری تولید و بلندتر به گوش می‌رسند. در تکیه دیرش نیز هجای مربوطه از نظر زمانی طولانی‌تر از شکل معمول به گوش می‌رسد. مدرسی قوامی «برجستگی یک هجا نسبت به دیگر هجاها در یک واژه» را تکیه واژگانی می‌نامد. او تکیه واژگانی را به دو نوع «تکیه زیر و بمی» و «تکیه فشاری» تقسیم می‌کند (۱۳۹۴، ۸۰). بر اساس نظریه منگل (همان، ۲۶) اکثر زبان‌شناسان از سه سطح تکیه واژگانی نام می‌برند: تکیه اصلی، تکیه فرعی و هجاهای بی‌تکیه. در واژگان دو هجایی یکی از هجاها تکیه‌بر است. تکیه فرعی در واژگانی قابل تشخیص است که بیش از دو هجا دارند. در واژه مرکبی

نظیر 'Reise,lust هجای اول و آخر تکیه‌بر هستند. اولین هجا (-'Rei) دارای تکیه بیشتر، آخرین هجا (lust)، دارای تکیه کمتر و هجای میانی (-se) بی‌تکیه است. قابل ذکر است که در تحقیق حاضر بررسی تکیه اصلی در صدر توجه قرار دارد.

۱-۵- نگاهی بر تکیه واژگانی در زبانهای آلمانی و

فارسی

زبانهای آلمانی و فارسی هر دو در ردهٔ زبان‌های هجایی قرار می‌گیرند. هجا شامل واکه‌ای است که پیش یا پس از آن همخوان یا همخوان‌هایی وجود دارد. در هر هجا، واکه می‌تواند حامل تکیه باشد، بدین معنی که با تکیه بیشتری بیان می‌گردد. مدرسی قوامی (۱۳۹۲) زبان آلمانی را از جمله زبانهای تکیه - زمان می‌نامد، بدین معنا که هجاهای تکیه‌دار و بی‌تکیه به‌صورت متناوب یکی پس از دیگری می‌آیند. از دیدگاه او زبان فارسی یک زبان هجا - زمان است که در آن طول هجاها به‌طور کلی یکسان است. نظر به اینکه زبان مادری دانشجویان تحقیق حاضر زبان فارسی است و خطاهای حاصل از تغییر جایگاه تکیه می‌تواند متأثر از ویژگی‌های تکیه‌گذاری واژگان در زبان مادری باشد، در ادامه به بررسی ویژگی‌های تکیه واژگانی در دو زبان آلمانی و فارسی و مقایسه آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

۵-۱-۱- تکیه واژگانی در زبان آلمانی

بنا بر نظر منگل دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص آزاد یا ثابت بودن تکیه در زبان آلمانی وجود دارد. برخی زبان‌شناسان بر این عقیده‌اند که تکیه در زبان آلمانی آزاد است و از قاعده مشخصی پیروی نمی‌کند. از منظر گروهی دیگر در زبان آلمانی در اکثر موارد، هجای یکی مانده به آخر تکیه‌بر است (۱۹۹۸، ۱۱). بنا بر نظر هونکه/ اشتاینینگ (۲۰۱۰، ۷۰) تکیه در زبان آلمانی علی‌الاصول بر روی هجای اول است، اما استثناءهایی نیز در این خصوص وجود دارد. طبق نظر راوش و راوش (۱۹۹۳، ۱۲۳) تکیه در زبان آلمانی یا بر هجای اول، یا بر هجای آخر و یا بر هجای یکی مانده به آخر است. بنابراین نظریه‌های متفاوتی در رابطه با نوع تکیه واژگانی در زبان آلمانی وجود دارد.

بر اساس نظریه منگل تکیه واژگانی در زبان آلمانی غالباً نقش تمایزدهندگی ندارد، بدین معنی که با تغییر جایگاه تکیه، در اکثر موارد معنای واژه تغییری نمی‌کند. البته در این زمینه

^{۲۲} Rausch & Rausch

^{۲۳} Hall et al.

^{۲۴} Huneke & Steinig

'ab-fahren, 'mit-kommen, 'bei-bringen, 'An-nahme, 'ein-fach, 'vor-wärts

۲- در واژگان دارای پیشوندهای جدانشدنی نظیر be-, ge-, ent-, er-, emp-, ver-, zer- هجای بعدی که همان هجای اول ستاک واژه است قرار می‌گیرد.

مثال:

ver-'dienen, be-'ginnen, zer-'reißen, Emp-'fehlung

۳- پیشوند miss- می‌تواند جدانشدنی یا جدانشدنی باشد. در مورد این پیشوند سه حالت زیر قابل تمایز است:
الف. چنانچه پس از این پیشوند پیشوند جدانشدنی دیگری در فعل نباشد، تکیه بر روی ستاک فعل قرار می‌گیرد.
مثال:

miss-'lingen, miss-'glücken, miss-'brauchen

ب. اگر فعل دارای پیشوند جدانشدنی دیگری باشد، تکیه اصلی بر روی پیشوند miss- و تکیه فرعی بر روی ستاک فعل می‌گیرد.
مثال:

'miss-ver, stehen, 'miss-ge, stalten

ج. پیشوند Miss- در اسم‌هایی که با این پیشوند آغاز می‌شوند در هر حال تکیه بر است.
مثال:

'Miss-verständnis, 'Miss-brauch

۴- در واژگان دارای پیشوند ur-, تکیه اصلی همواره بر روی همین پیشوند است.
مثال:

'Ur-teil, 'ur-sächlich

۵- پیشوند un- به‌طور کلی تکیه بر است.
مثال:

'un-benannt, 'Un-glück

استثنا: در صفت‌های چند هجایی که به پسوندهای -ig, -sam, -bar, -haft, lich ختم می‌شوند، دو امکان برای تکیه‌گذاری وجود دارد: تکیه بر روی پیشوند و تکیه بر روی هجای اول ستاک واژه.
مثال:

'un-vollständig und un-'vollständig, 'un-möglich und un-'möglich

استثنائاتی نیز وجود دارد (۱۹۹۸، ۸۴). برخی زبان‌شناسان بر این عقیده‌اند که تکیه واژگانی در زبان آلمانی نقش متمایز دارد. آنها برای مثال جفت‌های کمینه (wieder-holen): دوباره رفتن و آوردن) و (wieder'holen: تکرار کردن) را ذکر می‌کنند.

به‌طور کلی در زبان آلمانی ۴ نوع تکیه قابل تشخیص است: تکیه عادی؛ تکیه متمیز؛ تکیه منطقی و تکیه احساسی. از میان این چهار نوع تکیه، تکیه منطقی و تکیه احساسی در حوزه «تکیه جمله یا زنجیره کلام» و تکیه‌های عادی و متمیز در حوزه «تکیه واژگانی» قرار می‌گیرند. تکیه در جمله زمانی قابل تشخیص است که واژه یا واژگانی در جمله به‌منظور اثرگذاری بیشتر بر روی مخاطب با تکیه بیشتری ادا می‌شوند. بررسی این نوع تکیه در حوزه کاربردشناسی زبان قرار می‌گیرد.

مثال:

تکیه عادی:

'Buch

تکیه متمیز:

سرپرستی کاری را به کسی محول کردن unter- vs.

'unter-stellen: نگهداری کردن، نگه‌داری کردن

تکیه منطقی:

Er hat die Prüfung bestanden. (nicht sie)

آن آقا در امتحان قبول شد. (نه آن خانم)

تکیه احساسی:

Das ist doch her'vorragend!

این فوق‌العاده است!

۵-۱-۱- تکیه در واژگان پیشونددار زبان آلمانی

به‌طور کلی پیشوندهای اشتقاقی در زبان آلمانی به سه دسته تقسیم می‌شوند: پیشوندهای جدا نشدنی از ستاک فعل، پیشوندهای جدانشدنی از ستاک فعل و پیشوندهای متغیر که جدا شدن یا جدا نشدن آن در معنای واژه تأثیر دارد؛ به‌عبارت‌دیگر این پیشوندها دارای ویژگی تمایزدهندگی هستند. در تحقیق حاضر واژگان دارای پیشوند زبان آلمانی را در ۸ گروه کلی زیر قرار داده‌ایم:

۱- در واژگان دارای پیشوندهای جدانشدنی نظیر ab-, an-, auf-, bei-, ein-, mit-, nach-, vor-, weg- بر روی پیشوند جدا شدنی قرار می‌گیرد. این مسئله درباره اسم‌ها، صفت‌ها و قیده‌ها نیز صدق می‌کند.

مثال:

پیشوند -um، زمانی جداشدنی است که فعل بیانگر حرکت یا تغییر یک شیء توسط فاعل، و در اندک موارد بیانگر حرکت فاعل است (اما در مفهوم herum ... um: گرداگرد چیزی نیست و تنها با افعال ناگذرا همراه می‌شود).

Sie stellt oft die Möbel 'um.

او اغلب جای مبل‌ها را عوض می‌کند.

افعال دارای پیشوند بی‌تکیه و جداشدنی -um بیانگر um herum ... فاعل، گرداگرد یک شیء ثابت است.

Polizisten um'stellten das Haus.

پلیس‌ها خانه را محاصره کردند.

افعال دارای پیشوند durch- به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف. بیشتر افعالی که بدین گروه تعلق دارند، افعال حرکتی هستند که اگر ناگذرا باشند تکیه‌بر و جداشدنی و اگر گذرا باشند بی‌تکیه و جدا نشدنی هستند.

Der Zug fuhr in Freiburg 'durch.

قطار (بدون توقف و یکسره) از میان شهر فرایبورگ گذشت. (ناگذرا، جداشدنی)

Der Zug durch'fuhr Freiburg in 5 Minuten.

قطار در عرض ۵ دقیقه فرایبورگ را طی کرد (پیمود). (گذرا، جداشدنی)

ب. این گروه شامل افعالی می‌شود که بیانگر انجام یک عمل و شیء‌محور هستند. این شیء به‌عنوان مفعول بی‌واسطه اجباری، هم با پیشوندهای جداشدنی و هم با پیشوندهای جداشدنی ظاهر می‌شود. تفاوت معنایی هر دو فعل بسیار اندک است.

مثال:

Der Maurer bohrt die Wand 'durch.

بنا در دیوار سوراخی ایجاد می‌کند.

Der Maurer durch'bohrt die Mauer.

بنا دیوار را سوراخ می‌کند.

۷- پیشوند wider- به‌عنوان پیشوند فعلی به استثناء فعل widerspiegeln بی‌تکیه است.

sich wider'setzen, wider'sprechen

این پیشوند به‌عنوان پیشوند اسم یا صفت، تکیه‌بر است:

der 'Widerruf, 'widersinnig, 'widerwillig

از آنجاکه این پیشوند جداشدنی است تکیه بر روی ستاک فعل صرف شده قرار می‌گیرد.

۶- در واژگان دارای پیشوندهای durch-, über-, hinter-, um-, unter-, wieder- تکیه متغیر است و نقش متمایز دارد، بدین تعبیر که تغییر جایگاه تکیه تفاوت معنایی ایجاد می‌کند. این پیشوندها خود به تنهایی حرف اضافه به‌شمار می‌روند و دارای معنا و مفهوم ملموس هستند. چنانچه تکیه بر روی این پیشوندها قرار گیرد، پیشوند جداشدنی و اگر بر روی ستاک فعل باشد، پیشوند جداشدنی است. بنا بر نظر هلیبش-بوشا^{۲۵} (۲۰۱، ۲۰۰۱) über-, hinter-, unter در صورتی که جدا شوند تکیه‌بر هستند و معنای ملموس (زمانی- مکانی) دارند و در صورتی که جدا نشوند تکیه‌بر نیستند و معنای انتزاعی (استعاره و تجسمی) دارند. توضیحات و مثالهای زیر از کتاب دستور او برگرفته شده‌اند.

مثال:

untergraben:

'untergraben: Der Gärtner gräbt den frischen

Dung 'unter.

دفن کردن: باغبان کود تازه را زیر خاک چال می‌کند. (عینی و ملموس)

unter'graben: Mein Onkel unter'gräbt durch vieles Rauchen seine Gesundheit.

نابود کردن: عمویم با مصرف زیاد دخانیات سلامتی‌اش را نابود می‌کند (به خطر می‌اندازد). (غیر عینی و ناملموس) در خصوص پیشوند über-، تفاوت میان جداشدنی یا جداشدنی بودن برخی از افعال در وجه دستوری فعل است. فعل دارای پیشوند جداشدنی، تکیه‌بر و ناگذرا و فعل دارای پیشوند جداشدنی و بی‌تکیه و گذراست. مثال:

Das Feuer sprang auf das Nachbarhaus 'über.

آتش از روی خانه همسایه رد شد.

Der Sportler über'sprang die Höhe von 2 Metern.

ورزشکار از ارتفاع دو متری پرید.

گاهی نیز تفاوت معنایی یا نحوی قابل تشخیص نیست.

Die Familie siedelt nach Deutschland 'über.

Die Familie über'siedelt nach Deutschland.

خانواده به آلمان نقل مکان می‌کند.

^{۲۵}Helbig & Buscha

hat wider'rufen, hat wider'sprochen, hat sich wider'setzt

۸- Nicht- در ابتدای واژه، همواره تکیه بر است.

'Nichtraucher, 'Nichtschwimmer

۵-۲- تکیه‌گذاری در زبان فارسی

نجفی^{۲۶} (۱۳۹۹، ۸۶) در کتاب مبانی زبان‌شناسی خود، تکیه را «برجسته کردن آوایی قسمتی از کلام (معمولاً هجا) نسبت به قسمت‌های دیگر همان کلام، یا در تقابل با کلام دیگر» تعریف می‌کند. مدرسی قوامی در فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی (۱۳۹۴، ۷۷) «انرژی به‌کاررفته در تولید یک هجا که یک هجا را نسبت به دیگر هجاها در یک واژه برجسته می‌کند»، تکیه می‌نامد. هجایی که به نسبت دیگر هجاها در یک واژه از برجستگی بیشتری برخوردار باشد، تکیه بر است.

اما منظور از هجا در زبان فارسی چیست؟ نجفی (۱۳۹۹) هجا را «ترکیبی از یک مصوت با چند صامت می‌داند، به‌طوری‌که تعداد هجاها با تعداد مصوت‌ها در ارتباط مستقیم قرار دارد و هر واژه به تعداد مصوت‌هایش دارای هجاست». ثمره^{۲۷} (۱۳۷۸) در کتاب «آواشناسی زبان فارسی» هجا را این‌گونه تعریف می‌کند: «هجا در زبان فارسی عبارت از یک رشته آوایی پیوسته است که از یک واکه و یک تا سه همخوان تشکیل می‌یابد». از دیدگاه مدرسی قوامی هجا «یکی از واحدهای گفتار است که معمولاً بزرگ‌تر از یک آوا و کوچکتر از یک واژه است». (همان، ۲۶۷).

تعریف حق‌شناس^{۲۸} (۱۳۶۹، ۱۲۲) از تکیه در کتاب «آواشناسی» به شرح زیر است:

«تکیه از نظر تولید از ترکیب مختصه‌های تغییر در فشار هوا، اختلاف درجه زیر و بمی و تفاوت در کشش واکه‌ای حاصل می‌شود و از نظر شنیداری به رسایی بیشتر تعبیر می‌شود [...] در هر زنجیره آوایی آن هجا را که نسبت به هجاها پیرامونش با درجه بیشتری از مختصات فوق تولید می‌شود هجای تکیه بر می‌گویند.»

از دیدگاه حق‌شناس تکیه پدیده‌ای نسبی است و در گویندگان مختلف، با بلند یا آهسته سخن گفتن، یا جایگاه هجای تکیه‌بر در زنجیره گفتار، درجه رسایی تکیه تغییر می‌کند. اما اگر عوامل ایجاد زنجیره گفتار ثابت و بی‌تغییر فرض شوند،

برخی از هجاها نسبت به سایر هجاها پیرامون خود رساتر شنیده می‌شوند.

۱-۲-۵- تکیه در واژگان پیشونددار زبان فارسی

در ادامه تعدادی از پیشوندهای زبان فارسی و تکیه‌گذاری در آنها ذکر می‌شود (ر. ک. گیوی- انوری^{۲۹}، ۱۳۹۳).

۱- پیشوند «ب/ به»:

الف. بر سر اسم می‌آید و صفت می‌سازد. در این واژه‌ها هجای آخر تکیه بر است.

مانند: بخرد، بهوش

be-x-'rad, be-'hūš

ب. بر سر اسم می‌آید و قید می‌سازد. در این واژگان نیز هجای آخر تکیه بر است.

مانند: به‌سرعت، به‌تدریج

be-sor?'at, be-tad'rīg

ج. بر سر حاصل مصدر می‌آید و قید می‌سازد. در این قیده‌ها هجای پایانی تکیه بر است.

مانند: به‌خوبی، به‌زودی

be-khū'bī, be-zū'dī

۲- پیشوند «نا»:

الف. قبل از اسم می‌آید و صفت می‌سازد. هجای پایانی در این صفتها تکیه بر است.

مانند: ناسپاس، ناشکر

nāse'pas, nāšokr

ب. بر سر بن مضارع یا صیغه امر فعل می‌آید و صفت می‌سازد. در این واژه‌ها پیشوند بی‌تکیه و هجای آخر تکیه بر است.

مانند: نادان، ناشکیب

nā-'dan, nā-ša'kīb

ج. بر سر صفت می‌آید و صفت منفی می‌سازد که در آن پیشوند بی‌تکیه و هجای آخر تکیه بر است.

مانند: ناشکیبا، نادرست

nā-šaki'ba, nā-do'rost

د. بر سر ضمیر مبهم می‌آید و صفت می‌سازد. در اینجا نیز پیشوند بی‌تکیه و هجای آخر تکیه بر است.

مانند: ناکسان

nā-ka'san

^{۲۸} Haghshenas

^{۲۹} Giwi & Anwai

^{۲۶} Najafi

^{۲۷} Samareh

۵. بر سر مصدر می‌آید و آن را منفی می‌کند. در این واژگان، پیشوند بی‌تکیه و هجای آخر تکیه‌بر است. نا شنیدن، نا دیدن

nā-šeni'dan, nā-di'dan

۳- پیشوند «هم»

الف. همراه اسم می‌آید و صفت می‌سازد. هجای پایانی در چنین واژگانی تکیه‌بر است. مانند: همراه، همکار

ham-'rāh, ham-'kār

ب. بر سر بن مضارع می‌آید و صفت می‌سازد. در این واژگان نیز تکیه‌بر روی هجای پایانی است. مانند: همنشین، همساز

ham-ne'shīn, ham-'sāz

ج. بر سر بن ماضی می‌آید و صفتی می‌سازد که هجای آخرش تکیه‌بر است. همزاد

ham-'zād

۴- پیشوند «با»:

بر سر اسم می‌آید و صفت می‌سازد. در این حالت، پیشوند «با» بی‌تکیه و هجای آخر تکیه‌بر است. مانند: باخرد، باهنر

bā-xe'rad, bā-ho'nar

۵- پیشوند «باز»:

الف. بر سر مصدر می‌آید. در این حالت، پیشوند «باز» بی‌تکیه و هجای آخر تکیه‌بر است. مانند: بازگشتن، بازخواندن

bāz-gaš'tan, bāz-xān'dan

ب. بر سر بن ماضی می‌آید و اسم می‌سازد. در این حالت پیشوند «باز» بی‌تکیه و هجای آخر تکیه‌بر است. مانند: بازداشت، بازخواست

bāz-'dāš t, bāz-'xāst

ج. بر سر بن مضارع می‌آید و اسم می‌سازد. پیشوند «باز» در اینجا بی‌تکیه و هجای آخر تکیه‌بر است. مانند: بازبین، بازپرس

bāz-'bīn, bāz-'pors

د. جایگاه تکیه در برخی از واژگان دارای پیشوند «باز» نقش متمیز دارد و باعث تغییر معنی واژه می‌شود. در صورتی که

تکیه بر روی پیشوند باشد، آن واژه فعل گذشته ساده و اگر بر روی هجای آخر باشد، اسم است.

'bāz-dāšt vs. bāz-'dāšt

۶- پیشوند «بر»:

الف. بر سر مصدر می‌آید. تکیه واژه در این حالت هجای پایانی است.

مانند: برآوردن، برآمدن

bar-āvar'dan, bar-āma'dan

ب. بر سر بن مضارع می‌آید و اسم می‌سازد. تکیه واژه در اینجا بر هجای پایانی است. مانند: برچسب

bar-'tšasb

ج. بر سر بن ماضی می‌آید و اسم می‌سازد. در این اسامی، هجای آخر تکیه‌بر است. مانند: برآورد، برخورد

bar-ā'vard, bar-'khord

د. بر سر اسم می‌آید و صفت می‌سازد. هجای تکیه‌بر در این صفت‌ها، هجای پایانی است. مانند: برقرار، برکنار

bar-gha'rār, bar-ke'nār

ه. پیشوند «بر-» در واژگانی نظیر «برآورد» و «برداشت» کاربرد متمیز دارد. اگر تکیه بر روی پیشوند باشد، فعل گذشته ساده است «bar-āvard» یا «bardašt». مانند جمله «خداوند آرزوهایش را برآورد.» یا «او کتابهایش را برداشت.» اگر تکیه بر هجای آخر باشد، واژه اسم است «bar-ā'vard». مانند جمله «برآورد شما از این اتفاق چیست؟» یا «برداشت شما از این عبارت چیست؟»

۷- پیشوند «فرو»:

الف. بر سر فعل می‌آید. هجای تکیه‌بر در اینجا آخرین هجاست.

مانند: فرو رفتن، فرو نشستن

forū-raf'tan, forū-neshas'tan

ب. بر سر اسم می‌آید و صفت می‌سازد. آخرین هجای این صفت‌ها تکیه‌بر است.

مانند: فروتن، فرودست

forū-'tan, forū-'dast

۸- پیشوند «فرا»:

bī-go'nāh, bī-pa'nāh

۱۱ - پیشوند «لا»:

بر سر اسم می‌آید و صفت مرکب منفی می‌سازد که هجای پایانی آن تکیه‌بر است.

مانند: لامذهب، لا علاج

lā-maz'hab, lā-a'lāġ

۱۲ - پیشوند «ن»:

صفت مرکب منفی می‌سازد. در این صفت‌ها آخرین هجا تکیه‌بر است.

مانند: نسنجیده، نفهم

na-sanġī'de, na-'fahm

۱۳ - پیشوند «وا»:

بر سر بن فعل و مشتقات آن می‌آید. در این واژگان اعم از مصدر، صفت و اسم، هجای پایانی تکیه‌بر است.

مانند: واخواستن، واخواست

vā-xās'tan, vā-'xāst

۱۴ - پیشوند «ور»:

در اول بن فعل و مشتقات آن و جز آنها می‌آید. هجای پایانی این واژگان تکیه‌بر است.

مانند: وررفتن، ورشکست

var-raf'tan, var-še'kast

۱۵ - پیشوند «می»:

بر سر بن ماضی و مضارع می‌آید و فعل ماضی و مضارع استمراری می‌سازد. در این واژگان پیشوند «می» تکیه‌بر است.

مانند: می‌رفتیم

'mī-raftīm

۶- مقایسه پیشوندهای زبان آلمانی و زبان

فارسی

از مقایسه پیشوندهای اشتقاقی زبان آلمانی و فارسی به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دست می‌یابیم که در ادامه بدان‌ها می‌پردازیم:

۶-۱- شباهت‌ها

۱. پیشوندهای اشتقاقی در هر دو زبان می‌توانند بسته به مورد، بر سر مصدر، بن مضارع، بن ماضی، اسم، صفت و قید بیابند و از جمله تکواژهای وابسته‌ای هستند که علی‌الاصول خود به تنهایی معنی مجزا ندارند، اما باعث تغییر جزئی و یا کلی مفهوم واژه می‌شوند.

الف. بر سر فعل می‌آید. در اینجا نیز هجای پایانی تکیه‌بر است.

مانند: فرا گرفتن، فرا رفتن

farā-geref'tan, farā-raf'tan

ب. بر سر بن مضارع می‌آید. هجای پایانی در این واژگان تکیه‌بر است.

مانند: فراخور، فراگیر

farā-'khor, farā-'gīr

ج. بر سر ضمیر مبهم می‌آید. هجای تکیه‌بر، هجای پایانی است.

مانند: فراهم

fara-'ham

۹- پیشوند «در»:

الف. بر سر فعل می‌آید. هجای پایانی در این افعال، هجای پایانی است.

مانند: درآمدن، در رفتن

dar-āma'dan, dar-raf'tan

ب. بر سر بن فعل می‌آید و اسم می‌سازد. هجای تکیه‌بر در این اسم‌ها، هجای پایانی است.

مانند: درآمد، درخواست

dar-ā'mad, dar-'xāst

ج. بر سر بن مضارع می‌آید و صفت می‌سازد. هجای پایانی این صفت‌ها هجای تکیه‌بر است.

مانند: دررو، درگیر

dar-'ro, dar-'gīr

د. بر سر ضمیر مبهم می‌آید و صفت می‌سازد. در اینجا نیز هجای پایانی هجای تکیه‌بر است.

مانند: درهم

dar'ham

ه. پیشوند «در-» در واژگانی نظیر درگذشت کارکرد ممیز دارد. اگر تکیه بر روی پیشوند باشد، فعل گذشته ساده است: «dar-gozašt». مانند جمله «پدر بزرگش چند روز قبل درگذشت». اگر تکیه بر هجای آخر باشد، واژه اسم است: «dar-go'zašt». مانند جمله: «او به خاطر درگذشت پدرش بسیار اندوهگین بود.»

۱۰- پیشوند «بی»:

بر سر اسم می‌آید و صفت مرکب منفی می‌سازد. در این واژگان هجای پایانی تکیه‌بر است.

مانند: بی‌گناه، بی‌پناه

۲. در برخی موارد، پیشوندهای اشتقاقی هر دو زبان معنی حرف اضافه‌ای خود را دارند و اینجاست که نقش تمایزدهندگی یا به عبارت دیگر تغییردهنده معنی را ایفا می‌کنند که این مسئله در زبان آلمانی گسترده‌تر از زبان فارسی است.

۳. در هر دو زبان تفاوت معنایی حاصل از تغییر جایگاه تکیه هجایی اصولاً در زنجیره کلام و در قالب جمله قابل تشخیص است.

۶-۲- تفاوت‌ها

۱. پیشوندهای اشتقاقی در زبان آلمانی به دو دسته جداشدنی و جدانشدنی تقسیم می‌شوند، درحالی‌که در زبان فارسی امروز پیشوندها علی‌القاعده از ستاک واژه جدا نمی‌شوند. تنها استثناء پیشوند «می-» در صیغه‌های گذشته و حال افعال دارای پیشوند است، مانند: برمی‌گشت، فرا می‌خواندند، باز می‌خواند، فرو می‌ریزد.

۲. جدا شدن یا جدا نشدن پیشوند در زبان آلمانی بر تکیه‌بری یا عدم تکیه‌بری آن تأثیر دارد و از قواعد معینی پیروی می‌کند؛ به طوری که پیشوندهای جداشدنی تکیه‌بر و پیشوندهای جدانشدنی غیرتکیه‌بر هستند. در زبان فارسی با اینکه جایگاه تکیه در واژگان پیشونددار مانند زبان آلمانی ثابت نیست، اما بر خلاف زبان آلمانی از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند.

۳. از میان ۱۵ پیشوند بررسی شده در زبان فارسی، تنها پیشوند «می-» تکیه‌بر است، درحالی‌که در ۱۴ پیشوند دیگر، تکیه اصلی بر آخرین هجای واژه است، مانند برداشتن «-bar dāš 'tan» در زبان آلمانی، چنانچه تکیه اصلی بر پیشوند نباشد، بر اولین هجای ستاک واژه است، مانند «-reisen ver».

۴. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، تعداد پیشوندها با کارکرد تمایزدهندگی در زبان آلمانی نسبت به زبان فارسی بیشتر است. در زبان فارسی، بیشترین تمایز معنایی به واسطهٔ پسوند «-ی» رخ می‌دهد. مانند واژهٔ مردی (ی نکره: یک مرد) «mardi» در مقایسه با مردی (ی نسبت: مردانگی) «mar'di» و یا خیابانی (یک خیابان) «xiyā'bān-ī» در مقایسه با خیابانی «مربوط به خیابان/ نام خانوادگی) «xiyābā'n-ī». این در حالی است که در زبان آلمانی تقریباً در کلیه واژگان دارای پسوند، تکیه بر هجای اول واژه است، مانند 'Schül-er, 'Sport-ler, 'Blüm-chen.

۵. در قیده‌های پیشونددار زبان آلمانی، تکیه بر هجای اول است، مانند: «'abseits, 'einfach, 'vorwärts» درحالی‌که در قیده‌های پیشونددار زبان فارسی هجای آخر تکیه‌بر است. مانند: به‌ظاهر «be-zā'her»، درعمل «-dar dar'a'mal»، بااحترام «bā-eh-te'rām»

۶. در زبان آلمانی، واژگانی که تکیه در آنها کارکرد ممیز دارد، فعل هستند و ساختار فعل تحت‌تأثیر تغییرات دستوری قرار می‌گیرد، بدین ترتیب که:

الف: پیشوندهای تکیه‌بر، در زمان حال و گذشته ساده، جدا می‌شوند و در زمانهای گذشته نقلی و بعید، در شکل سوم فعل، پس از پیشوند اصلی، پیشوند -ge- قرار می‌گیرد. مانند:

'durch-fahren: fährt ... 'durch, fuhr ... 'durch, ist/war... 'durch-ge-fahren
«بدون توقف و یکسره رفتن/ راندن»: یکسره می‌راند.
یکسره راند، یکسره رانده است/ بود.

در این حالت، پیشوند در اکثر موارد معنی حرف اضافه‌ای خود را دارد.

ب: پیشوندهای غیرتکیه‌بر، در زمان حال و گذشته ساده، جدا نمی‌شود و در زمانهای گذشته نقلی و بعید، در شکل سوم فعل، پس از پیشوند اصلی، پیشوند -ge- قرار نمی‌گیرد. مانند:

durch'fahren: durch'fährt, durch'fuhr, ist/war durch'fahren

«پیمودن / طی کردن / پشت سر گذاشتن»

در زبان فارسی تمایز معنایی حاصل از تغییر جایگاه تکیه، میان گذشته ساده (سوم شخص مفرد) برخی از افعال و اسم‌ها ایجاد می‌شود. در صورتی که پیشوند تکیه‌بر باشد، واژه فعل است و در صورتی که هجای پایانی تکیه‌بر باشد، واژه اسم است. مانند:

بازگشت، برآورد، برخورد، بازداشت، درگذشت، دریافت

„dar-go'zašt“ vs. „dar-gozašt“

۷- روش تحقیق

۷-۱- شرکت‌کنندگان

در این پژوهش تعداد ۴۰ دانشجوی رشته‌های مترجمی و نیز زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه اصفهان شرکت داشته‌اند. سن این افراد بین ۱۸ تا ۳۲ سال بوده و هیچ‌یک از این زبان‌آموزان پیش از ورود به دانشگاه یا آموزشگاه با زبان آلمانی آشنایی نداشته‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها، زبان‌آموزان به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول که با قواعد آوایی مربوط به تکیه‌گذاری واژگان آلمانی ارائه شده در درس زبان‌شناسی آلمانی آشنا بودند

دانشجویان نیمسال هفتم و فارغ التحصیلان) و گروهی که هنوز این درس را پشت سر نگذاشته بودند (دانشجویان نیمسال سوم). قابل ذکر است قواعد آوایی مربوط در قالب درس زبان‌شناسی آلمانی توسط نگارنده در نیمسال چهارم طی دو یا سه جلسه درسی ارائه می‌گردد. هر دو گروه در سال اول تحصیلات خود با قواعد دستوری مربوط در درس دستور زبان آلمانی آشنا شده‌اند.

۷-۲- جمع‌آوری داده‌ها

زبان‌آموزان دو تکلیف دریافت کردند که تکلیف اول شامل انواع واژگان پیشونددار زبان آلمانی اعم از اسم، فعل، قید و صفت و تکلیف دوم، شامل جملاتی بود که افعال پیشونددار آنها ویژگی ممیز با کارکرد تغییر معنایی در تغییر جایگاه تکیه داشتند. آنها بدون آگاهی از هدف پژوهش به‌صورت مجزا از

روی این واژگان و جملات خوانده و نتیجه را به‌صورت صدای ضبط شده ارسال نمودند. شایان ذکر است که دو تکلیف منحصرأ از دیدگاه آواشناختی مورد بررسی قرار گرفته و جنبه دستوری و معناشناختی مد نظر نبوده است. همچنین آنچه در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته است، بررسی توصیفی بسامد و برآورد کلی رعایت یا عدم رعایت صحیح تکیه بر واژگان دارای پیشوند در زبان آلمانی است و بررسی آماری و دقیق تک تک واژگان و افراد مد نظر نیست. به‌عبارت‌دیگر پژوهش حاضر جنبه توصیفی دارد. جهت کنترل تلفظ از دیدگاه آواشناختی و بررسی ویژگی زبرزنجیری تکیه‌بری هجاها، پژوهشگر و فردی آلمانی‌زبان به بررسی تکالیف پرداخته‌اند. دو تکلیف پیش گفته را می‌توان از دیدگاه محتوایی در قالب جدول زیر دسته‌بندی نمود.

نوع تمرین	توضیح	مثال
1	افعال با پیشوندهای جدانشدنی	چنانچه این افعال در جمله ظاهر شوند، پیشوندشان از ستاک فعل جدا نمی‌شود. این پیشوندها تکیه‌بر نیستند و تکیه بر اولین هجای ستاک فعل قرار می‌گیرد.
2	افعال با پیشوندهای جدانشدنی	چنانچه این افعال در جمله ظاهر شوند، پیشوندشان از ستاک فعل جدا می‌شود. این پیشوندها تکیه‌بر هستند و تکیه بر پیشوند قرار می‌گیرد.
3	افعال دارای پیشوند miss-	این افعال به دو دسته تقسیم می‌شوند. الف) در صورتی که پس از پیشوند miss- پیشوند جدانشدنی دیگری بر سر فعل اصلی بیاید، تکیه بر پیشوند نخست یعنی miss- است. ب) در صورتی که فعل دارای تنها یک پیشوند و آن هم miss- باشد، تکیه بر روی هجای اول ستاک فعل است.
4	اسامی دارای پیشوند Miss-	در این اسامی تکیه بر پیشوند Miss- است.
5	واژگان دارای پیشوند wider-	این واژگان به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) اگر بر سر افعال بیاید جدانشدنی و بی‌تکیه است. استثناء: 'widerspiegeln ب) اگر بر سر اسم بیاید تکیه‌بر است. ج) اگر بر سر صفت بیاید تکیه‌بر است.
6	اسامی با پیشوندهای تکیه‌بر	این گروه شامل آن دسته از اسامی می‌شود که فعلشان دارای پیشوند جدانشدنی است یا پیشوند Un-، Nicht-، Miss-، Ur- دارند.

Emp'fang, Ge'bäck, Ver'käufer usw.	این گروه شامل آن دسته از اسامی می‌شود که فعلشان دارای پیشوند جانشدنی است و یا اسم جمع با پیشوند Ge- هستند.	اسامی با پیشوندهای غیرتکیه‌بر	7
a) 'angenommen, 'abgesagt usw. b) ver'fasst, ge'gründet, voll'endet usw. c) 'unbekannt, 'unbestimmt 'unmöglich vs. un'möglich usw.	صفت‌های پیشونددار به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) چنانچه مشتق از فعل باشند، در صورت جانشدنی بودن پیشوند، پیشوند تکیه‌بر است. ب) در غیر این صورت این پیشوندها غیرتکیه‌بر هستند. ج) پیشوند un- همواره تکیه‌بر است. نکته: پیشوند un- با پسوندهای -ig, -lich, -haft, -bar, -sam می‌تواند تکیه‌بر یا غیرتکیه‌بر باشد.	صفت‌های پیشونددار	8
'vorwärts, 'abseits, 'einfach usw.	در این قیدها تکیه بر روی پیشوند است.	قیدهای پیشونددار	9
a) Er hat sich schnell auf die Situation 'umgestellt. b) Die Polizei hat das Haus um'stellt.	تشخیص معنای این افعال پیشونددار و تکیه‌بری یا عدم تکیه‌بری پیشوند، در قالب جملات زمان حال یا ماضی نقلی انجام می‌شود. الف) در صورتی که پیشوند جانشدنی باشد، تکیه‌بر است. شکل سوم این افعال بین پیشوند جدا شدنی و ستاک، -ge- می‌گیرد. ب) در صورتی که پیشوند جانشدنی باشد، تکیه‌بر نیست. شکل سوم این افعال بین پیشوند جدا شدنی و ستاک، -ge- نمی‌گیرد.	افعال با پیشوندهای دارای ویژگی ممیز (در قالب جمله)	10

جدول ۱: انواع پیشوند در زبان آلمانی

۳-۷- تحلیل داده‌ها

واژگان گروه ۲: (افعال با پیشوندهای جانشدنی): اکثر دانشجویان گروه اول تکیه این واژگان را به شکل صحیح ادا کرده‌اند. در گروه دوم، نیمی از افراد einkaufen و بیش از نیمی از افراد herkommen را اشتباه و بر روی هجای اول ستاک فعل بیان کرده‌اند.

واژگان گروه ۳: (افعال دارای پیشوند -miss): اکثر دانشجویان نیمسال هفتم، فعل missverstehen را با تأکید صحیح بیان کرده‌اند. فعل missgestalten دو بار در فهرست واژگان ظاهر شده است. اولین بار بیش از نیمی از دانشجویان و دومین بار کمتر از نیمی از دانشجویان صحیح تلفظ کرده‌اند. در گروه دوم بیش از نیمی از دانشجویان فعل

جهت بررسی دقیق‌تر، واژگان پیشونددار را به ۱۰ گروه فوق تقسیم کردیم و به نتایج زیر دست یافتیم:

واژگان گروه ۱: (افعال با پیشوند جانشدنی): هر دو گروه، افعالی که بسامد بالاتری در کاربرد دارند را به شکل صحیح تکیه‌گذاری نموده‌اند. در این میان دو خطای تکیه‌گذاری جالب توجه است. در گروه اول بیش از نیمی از افراد و در گروه دوم نیمی از افراد، تکیه فعل beabsichtigen را اشتباه و بر روی هجای چهارم بیان کرده‌اند. همچنین در گروه دوم نیمی از افراد پیشوند فعل entziffern را تکیه‌بر بیان کرده‌اند.

missverstehen را با تأکیدگذاری اشتباه بیان کرده‌اند. فعل missgestalten اولین بار توسط نیمه از افراد و دومین بار توسط یک چهارم افراد اشتباه ادا شده است. اکثر دانشجویان افعال با پیشوند غیرمؤکد -miss را صحیح تلفظ نموده‌اند.

واژگان گروه ۴: (اسامی دارای پیشوند -Miss): اکثر دانشجویان این واژگان را با تأکیدگذاری صحیح بیان کرده‌اند. **واژگان گروه ۵:** (واژگان دارای پیشوند -wider): اکثر دانشجویان گروه اول افعال و اسامی دارای این پیشوند را با تأکیدگذاری صحیح و تعداد نیمه از افراد، صفت widerwillig را با تکیه‌گذاری اشتباه بیان نموده‌اند. در گروه دوم، تنها فعل widerrufen با تکیه‌گذاری صحیح بیان شده است و پیشوند -wider- در فعل widerspiegeln، اسم Widerruf و صفت widerwillig به اشتباه غیرتکیه‌بر بیان شده است.

واژگان گروه ۶: (اسامی با پیشوند تکیه‌بر): اکثر دانشجویان گروه اول این اسامی را با تکیه صحیح بیان کرده‌اند. در گروه دوم تمایل به عدم تکیه‌گذاری پیشوند به‌خصوص در اسامی Absage, Vorhang, Urgroßvater کاملاً مشهود است (بیش از نیمه از افراد هر مورد را اشتباه ادا کرده‌اند).

واژگان گروه ۷: (اسامی با پیشوندهای غیرتکیه‌بر): در هر دو گروه تعداد پاسخهای صحیح نسبت به پاسخهای خطا بیشتر است. تنها در مورد دو پیشوند -Emp- و -Ent- در واژه‌های Entnahme و Empfang تمایل به تکیه‌گذاری پیشوند در کمتر از نیمه از افراد وجود دارد.

واژگان گروه ۸: (صفت‌های پیشونددار): تکیه‌گذاری در این دسته از واژگان نیز از سوی اکثر دانشجویان صحیح بوده است.

واژگان گروه ۹: (قیدهای پیشونددار): در این دسته از واژگان نیز اکثر دانشجویان واژگان را با تکیه‌گذاری صحیح انجام داده‌اند. از میان ۲۰ دانشجو، نیمه از دانشجویان گروه دوم در واژه vorwärts تکیه را به اشتباه به هجای دوم واژه داده‌اند.

واژگان گروه ۱۰: (افعال با پیشوندهای دارای ویژگی متمیز): در دسته اول واژگان که شامل افعال جداشدنی هستند، تکیه‌گذاری اکثر دانشجویان نیمسال هفتم صحیح است. بر خلاف آن، تکیه‌گذاری اکثر دانشجویان نیمسال سوم در ۶ واژه از ۹ واژه خطا و بر روی ستاک فعل است.

بیشترین خطا، در فعل‌های جداشدنی دسته دوم قابل تشخیص است. به طوری که بیش از نیمه از دانشجویان هر دو گروه در اکثر افعال تکیه را به اشتباه بر پیشوند جداشدنی قرار

داده‌اند که این امر سبب بروز خطا در معنای فعل می‌شود. در تلفظ این دسته از واژگان از منظر تکیه‌گذاری تنها افعالی که در سطوح زبانی مربوط بسامد بالاتری در کاربرد دارند نظیر wiederholen، übersetzen، unterschreiben و صحیح تکیه‌گذاری شده‌اند.

۸- نتایج و بحث و بررسی

در میان دانشجویان ترم هفتم که با قواعد آوایی تکیه‌گذاری در نیمسال چهارم تحصیلات خود آشنا شده‌اند، کمترین خطاها در تکیه‌گذاری افعال با پیشوند جداشدنی، افعال با پیشوند جداشدنی، اسامی دارای پیشوند -Miss، اسامی با پیشوند تکیه‌بر، اسامی با پیشوندهای غیرتکیه‌بر، صفت‌های پیشونددار و افعال با پیشوند جداشدنی دارای ویژگی متمیز (در جمله) قابل تشخیص است. بیشترین خطاها به پیشوند تکیه بر -miss- در افعال missverstehen و missgestalten و افعال با پیشوندهای دارای ویژگی متمیز (در قالب جمله) در بخش پیشوندهای جداشدنی می‌شود. از آنجاکه دانشجویان با قواعد دستوری و آوایی مربوط آشنایی دارند دلایل بروز خطا را می‌توان به فراموشی سپردن قواعد مربوط به دلیل عدم تکرار در موقعیت‌های عینی (بیان واژگان و عبارات در موقعیت بیان شفاهی)، تعمیم‌دهی در زبانی قواعد و فرضیه‌سازی ذهنی اشتباه دانست.

در میان دانشجویان نیمسال سوم که با قواعد آوایی تکیه‌گذاری در نیمسال چهارم تحصیلات خود آشنا خواهند شد، کمترین خطاها در افعال با پیشوند جداشدنی و افعال دارای جداشدنی قابل تشخیص است. بیشترین خطاها به افعال دارای پیشوند -miss، واژگان دارای پیشوند wider، اسامی با پیشوند تکیه‌بر، قیدهای پیشونددار و افعال با پیشوندهای دارای ویژگی متمیز (در قالب جمله) در بخش پیشوندهای جداشدنی و جداشدنی مربوط می‌شود. مهم‌ترین دلیل بروز خطا را می‌توان به عدم آشنایی با قواعد آوایی مربوط نسبت داد. از سوی دیگر تمایل به عدم تکیه‌گذاری پیشوند و انتقال آن به هجاهای پایانی واژه می‌تواند به دلیل تداخل زبانی حاصل از تکیه‌گذاری واژگان پیشونددار در زبان مادری باشد، چرا که در زبان فارسی در اکثر موارد تکیه اصلی بر روی آخرین هجای واژه است. در خصوص افعال با پیشوندهای دارای ویژگی متمیز که تغییر جایگاه تأکید منجر به تغییر معنای واژه یا عبارت می‌شود، دانشجویان گروه دوم، تقریباً در همه موارد پیشوند را بی‌تکیه بیان کرده‌اند که این امر از یک‌سو به عدم آشنایی با قواعد آوایی و یا به عدم یادگیری کامل قواعد دستوری مربوط باز

می‌گردد. آمارهای متفاوت در دو واژه تکراری نیز بیانگر عدم اطمینان دانشجویان در تکیه‌گذاری هجاها و یا عدم توجه آنها به مسئله تکیه‌گذاری است. در هر دو گروه از دانشجویان، واژگانی که در دروس مختلف بسامد کاربرد بالاتری دارند، از منظر تکیه‌گذاری صحیح‌تر بیان شده‌اند.

با توجه به گستردگی و تنوع انواع تکیه در زبان آلمانی و تغییر جایگاه آن تحت تأثیر قواعد دستوری و محدود بودن قواعد تکیه در زبان فارسی، تکیه‌گذاری یکی از اصلی‌ترین دشواری‌های حوزه آواشناسی زبان آلمانی برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان به‌شمار می‌رود. از آنجاکه تکیه‌گذاری یک ویژگی زبررنجیری است و در نوشتار نمایان نمی‌شود، لذا در دروس نظری رشته‌های دانشگاهی کمتر بر آموزش آن تأکید می‌گردد و ارزیابی نیز در بیشتر موارد کتبی و در خصوص قواعد دستوری صورت می‌پذیرد. از دیدگاه کاربردشناسی، چنانچه تأکیدگذاری واژگان هنگام صحبت کردن در موقعیت زبان مقصد به درستی انجام نشود، ممکن است به دلیل انتقال نادرست مفهوم، ارتباط با مخاطب مختل شده و موجب بروز خطاهای شنیداری و ایجاد سوءتفاهماتی در برداشت منظور گوینده یا معنای واژگان شود. این‌گونه خطاها گرچه می‌توانند خطاهای کنشی و از سوی گوینده قابل تصحیح باشند، اما در بیشتر موارد خطاهای توانشی هستند، چرا که مستلزم یادگیری قواعد خاص و توانایی به‌کارگیری آنها در موقعیت‌های زبانی و اجتماعی متناسب می‌باشند. این مسئله بیش از هر چیز در خصوص تکیه‌گذاری واژگان گروه ۱۰ صدق می‌کند، چرا که تغییر جایگاه تأکید به تغییر مفهوم جمله می‌انجامد.

۹- نتیجه‌گیری

علی‌رغم تعاریف متعدد و متفاوتی که از تکیه واژگانی در دو زبان آلمانی و فارسی وجود دارد، هر دو زبان در زمره زبان‌های هجایی قرار می‌گیرند که در واژگان آنها یکی از هجاها مؤکدتر از سایر هجاها بیان می‌گردد. در هر دو زبان ویژگی زبررنجیری تکیه‌گذاری از قواعد مختلفی تبعیت می‌کند و جایگاه تکیه با توجه به نوع واژه و تکواژهای آن ثابت نیست. از مقایسه تلفظ واژگان دارای پیشوند زبان آلمانی توسط زبان‌آموزان فارسی‌زبان و قواعد تکیه‌گذاری واژگان دارای پیشوند زبان فارسی می‌توان دریافت که یادگیری صحیح اصول تکیه‌گذاری تأثیر بسزایی در تلفظ صحیح واژگان دارد. چنانچه این قواعد به درستی آموخته نشوند و در بافت صحیح به کار نروند، زبان‌آموزان بیشتر تمایل دارند که تکیه را به مانند

تکیه‌گذاری اکثر واژگان پیشونددار زبان فارسی به هجاهای پایانی منتقل کنند. به‌عبارت‌دیگر تداخل زبانی سبب بروز خطاهایی در تکیه‌گذاری واژگان می‌گردد. به دلیل متنوع بودن قواعد، در صورتی که قواعد به درستی تثبیت و تمرین نشوند، زبان‌آموزان بدون توجه به اهمیت جایگاه تکیه در واژه، به تعمیم‌دهی روی آورده و در مواردی پیشوند جانشینی افعال را به مانند افعال دارای پیشوند جانشینی مؤکد بیان می‌کنند.

بروز خطاهای تکیه‌گذاری بر اثر تداخل‌های زبانی در زبان‌آموزان نیمسال سوم اهمیت یادگیری قواعد آوایی را در این مرحله از تحصیل نشان می‌دهد، چرا که در دانشجویانی که با قواعد مربوط آشنایی دارند چنین خطاهایی کمتر قابل تشخیص است. اما از آنجاکه این قواعد در قالب درس زبان‌شناسی آلمانی و در جلسات محدود ارائه و در اکثر موارد به آموزش قواعد کلی و انجام تکلیف محدود بسنده می‌شود، تمرین کافی صورت نگرفته و قواعد تثبیت نمی‌شوند و یا تحت تأثیر تعمیم‌دهی به غلط تثبیت می‌شوند (فسیل شدگی). از سوی دیگر، تکیه‌گذاری در افعالی که دارای ویژگی تمایز معنایی با تغییر جایگاه تکیه هستند ارتباط مستقیمی با یادگیری قواعد دستوری دارد. اما آموزش ویژگی‌های زبررنجیری در حیطه قواعد مربوط به دستور زبان قرار نداشته و در کلاسهای دستور زبان نیز معمولاً به آموزش قواعد دستوری مربوط اکتفا می‌شود. به همین دلیل بروز این‌گونه خطاها در هر دو گروه گویای آن است که گرچه اکثر دانشجویان با قواعد دستوری مربوط آشنایی دارند، اما بر تأثیر تغییر جایگاه تکیه بر معنا و مفهوم واقف نیستند. از این رو شاید ارائه یک واحد درسی با عنوان «آواشناسی زبان آلمانی» که تکیه‌گذاری واژگان را نیز در بر می‌گیرد راهگشا باشد. همچنین تسلط کامل اساتید بر قواعد آوایی مربوط و ارائه هم‌زمان آنها با قواعد دستوری می‌تواند از بروز خطاهایی که ممکن است سبب انتقال مفهوم نادرست شود، پیشگیری کند.

از آنجاکه تمرکز اصلی واحدهای درسی گرایش‌های این رشته به‌ویژه در مراحل اولیه تحصیل بر مهارت‌های نوشتاری و دستور زبان است، بر تکوین و گسترش مهارت‌های گفتاری کمتر تأکید می‌شود. اما با توجه به بازار کار این رشته برای گرایش‌های مختلف که در حال حاضر بیشتر معطوف آموزش زبان و معلمی در آموزشگاه‌هاست، انتظار می‌رود در برنامه درسی جایگاهی برای آموزش قواعد آوایی نیز وجود داشته باشد، چرا که این حوزه از زبان و نمود این ویژگی‌ها در گفتار،

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹). *نمای گفتار (تکیه، آهنگ، مکث) در فارسی*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

Bolinger, Dwight (1958). A theory of pitch accent in English. *Word* 14, 109-49.

Dahmen, Silvia; Hirschfeld, Ursula; Meißner, Swetlana; Reinke, Kerstin (2021). Einführung in das Online-Material. In: Dahmen, Silvia/ Hirschfeld, Ursula/ Meißner, Swetlana/ Reinke, Kerstin (Hrsg.): *Kontrastive Phonetik für Deutsch als Fremd- und Zweitsprache*. (Grundlagen Deutsch als Fremd- und Zweitsprache 1). Berlin: Erich Schmidt.

Fry, Dennis (1955). Duration and intensity as physical correlates of linguistic stress.

Journal of the Acoustical Society of America 35, 765-69.

Fry, Dennis (1958). Experiments in the perception of stress. *Language and Speech* 1, 120-52.

Hall, Tracy Alan (2000). *Phonologie. Eine Einführung*. Berlin: Walter de Gruyter.

Hall, Christopher et al. (1995): *Deutsche Aussprachelehre. Ein Hand- und Übungsbuch für Sprecher des Finnischen*. Helsinki: Finn Lectura.

Harden, Theo (2006): *Angewandte Linguistik und Fremdsprachendidaktik*. Günter Narr Verlag.

Helbig, Gerhard; Buscha, Joachim (2001). *Deutsche Grammatik: ein Handbuch für den Ausländerunterricht*. Berlin, Leipzig, München: Langenscheidt.

از دیدگاه کاربردشناسی نقش مهمی در برقراری ارتباط با مخاطب دارد.

منابع

احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن (۱۳۹۳). *دستور زبان فارسی*. جلد اول. چاپ سوم. انتشارات فاطمی. تهران

البرزی، پرویز (۱۳۹۹). هم‌گرایی فعلهای پیشوندی در زبان آلمانی و فارسی. *پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی*. دوره ۱۰، شماره ۱. ۱۹-۳۶.

ثمره، یدالله (۱۴۰۱). *آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجاها)*. چاپ شانزدهم. تهران: آگاه.

جم، بشیر (۱۳۹۸). تقابلهای تکیه‌ای واژگانی و فراواژگانی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*. دوره ۱۰، شماره ۱ (پیاپی ۴۹). ۹۹-۱۲۷.

حدادی، محمد حسین و میثمی، شقایق (۱۳۹۸). بررسی تأثیر «تداخل زبانی» بر فراگیری تلفظ صحیح در زبان آلمانی برای زبان‌آموزان ایرانی در سطح مقدماتی.

پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی. دوره ۹، شماره ۴. ۱۳۳۹-۱۳۶۶.

حق شناس، علی محمد (۱۳۶۹). *آواشناسی (فونتیک)*. تهران: آگاه

دوستی‌زاده، محمدرضا و فرقانی‌تهرانی، آذر (۱۳۹۰). تحلیل خطا در آموزش زبانهای خارجی با توجه ویژه به ارزیابی خطا در آموزش ترجمه. *پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی*. دوره ۱، شماره ۲. ۴۷-۶۶.

صادقی، وحید (۱۳۹۱). درک شنیداری تکیه واژگانی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*. دوره ۳، شماره ۲ (۱۰). ۱۷۶-۱۵۳.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و تاج‌آبادی، فرزانه و آفاکل زاده، فردوس (۱۳۹۴). جایگاه تکیه در تکواژهای وابسته زبان فارسی. *پژوهشهای زبانی*. دوره ۶، شماره ۱، ۸۰-۶۱.

مدرسی قوامی، گلناز (۱۳۹۲). *آواشناسی: بررسی علمی گفتار*. تهران: انتشارات سمت.

مدرسی قوامی، گلناز (۱۳۹۴). *فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی*. تهران: انتشارات علمی.

مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۰). *ساخت آوایی زبان*. چاپ دوم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۹). *مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی*. چاپ سیزدهم. تهران: نیلوفر.

Betreuer: Prof. Dr. Hartmut Lenk.
Helsinki: Humanistische Fakultät.
Masterprogramm Sprachen

Storch, Günther (1999). *Deutsch als Fremdsprache - Eine Didaktik*. 2., unveränderter Nachdruck der 1. Auflage. München: Wilhelm Fink.

Hirschfeld, Ursula; Reinke, Kerstin (2016). *Phonetik im Fach Deutsch als Fremd- und Zweitsprache unter Berücksichtigung des Verhältnisses von Orthografie und Phonetik*. Berlin: Schmidt

Huneke, Hans-Werner; Steinig, Wolfgang (2010). *Deutsch als Fremdsprache. Eine Einführung*. 5., neu bearbeitete und erweiterte Auflage, Berlin: Eric Schmidt. (=Grundlagen der Germanistik Bd. 34)

Janßen, Ulrike (2003). Untersuchungen zum Wortakzent im Deutschen und im Niederländischen. *Diss.* Düsseldorf: Heinrich-Heine-Universität.

Kleppin, Karin (1997). *Fehler und Fehlerkorrektur*. Berlin: Langenscheidt. (=Fernstudieneinheit Bd. 19)

Königs Frank .G. (2003). Fehlerkorrektur. In: K.-R. Bausch (Hrsg.), *Handbuch Fremdsprachenunterricht*. Tübingen: Francke, 377-382.

Mengel, Andreas (1998). *Deutscher Wortakzent. Symbole, Signale*. München: Phorm.

Oturan, Arş. Gr. Kenan (1987). Der Wortakzent im Deutschen und im Türkischen. Eine Kontrastive Arbeit. *Magisterarbeit*. ESKİŞEHİR: T. C. ANADOLU ÜNİVERSİTESİ SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ.

Rausch, Rudolf; Rausch, Ilka (1993). *Deutsche Phonetik für Ausländer: ein Lehr und Übungsbuch*. 3., durchgesehene Auflage. Berlin: Langenscheidt.

Salo, Henrik (2019). Der Wortakzent im Deutschen und seine Schwierigkeiten für finnische Deutschlernende. *Master-Arbeit*.